



دفتر اول مثنوی معنوی - مولوی

بخش ۹۲

داستان خواجه تاجری است که یک طوطی داشت و بعد آن را از دست می دهد. حالا خواجه که از یک دستی که خورده ناراحت است متوجه موضوع مهمی میشود که در این شعر آمده است.



طوطی گفت وقتی داری از شهر طوطی ها می آیی، برای منم هدیه ای بیار و داستان من رو برای بقیه طوطی ها تعریف کن. آن جریان معروف که طوطی ها، هرکدومشون داستان در قفس موندن طوطی ها رو می شنوه، خودشون رو به مردن می زنن، و در جا غش می کنن. خواجه هم برای طوطی خودش این رو تعریف می کنه. طوطی تا داستان رو می شنوه، زرنگی می کنه، می فهمه که باید خودش رو به مردن بزند. خواجه فکر میکنه طوطی مرده میندازه تش بیرون. به محض اینکه خواجه طوطی رو از قفس می ندازه بیرون، طوطی پرواز می کنه

و می‌ره. بعد حکایت خواجه و طوطی بارها مورد اشاره مولانا قرار می‌گیره و بدین ترتیب حکایت‌ها شکل می‌گیره:

بس دراز است این حدیث خواجه کو
تا چه شد آن احوال مرد نکو
خواجه اندر آتش و درد و خنین
صدر پرکنده گفت همی این چنین

تناقض میان ناز معشوق و نیاز او برای عاشق همراه سختی‌هایی را به همراه می‌آورد که شخص عاشق در آن مثل غریقی کوشش می‌کند. و اگر حتی ظاهر این کوشش بیفایده باشد اما از آنجا که همه در پرتو عشق روشنایی بخش هست در دید معشوق جا می‌گیرد. موضوع این تناقض بسیار مهم است که بارها به آن پرداخته شده است.

گاه سودای حقیقت گه مجاز	گه تناقض گاه ناز و گه نیاز
دست را در هر گیاهی می‌زند	مرد غرقه گشته جانی می‌کند
دست و پای می‌زند از بیم سر	تا کدامش دست گیرد در خطر
کوشش بیهوده به از خفتگی	دوست دارد یار این آشفته‌گی
کل یوم هوفی شان ای پسر	بهر این فرمود رحمان ای پسر
تا دم آخر دمی فارغ مباش	اندرین ره می‌تراش و می‌خراش
که عنایت با تو صاحب سر بود	تا دم آخر دمی آخر بود
گوش و چشم شاه جان بر روزنست	هرچه می‌کوشند اگر مرد و زنست



Watch our *Parchina* video. Download more Molana (Rumi) document from enahang.ir.

If you want to join us, come and participate our JAM event, every 15th of each month.

ParchiNa: <https://www.aparat.com/parchina>: MP4 Downloads.

Translation of "*parchina*" into English: *Parchina* is a branch of Electro Nahang Fater Samavat (ENFS) Co. Ltd. It in every month publishes conceptual Multi-Medias about Molana (Rumi)'s Poems and Masnavi.